شبانه

مردی چنگ در آسمان افکند،

هنگامي که خون‌اش فرياد و

دهان‌اش بسته بود.

خنجي خونين

بر چهره‌ی ناباورِ آبي! ــ

عاشقان

چنين‌اند.

□

کنارِ شب

خيمه برافراز،

اما چون ماه برآيد

**شمشير**

**از نيام**

**برآر**

و در کنارتبگذار.

۱۳۵۲